




نقش حضرت ابراهیم علیه السلام در فرهنگ آفرینی و تمدن‌سازی از منظر قرآن کریم



دریافت: ۱۴۰۴-۰۶-۳۱  
 بازنگری: ۱۴۰۴-۰۹-۲۵  
 پذیرش: ۱۴۰۴-۰۹-۲۹  
 انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۱۰-۱۷

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.544577.1514> doi

ابراهیم نامداری\*<sup>۱</sup>   
 محسن فریادرس<sup>۲</sup>   
 معصومه خورشیدوند<sup>۳</sup> 

مقاله: ترویجی

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش تمدن‌ساز و فرهنگ‌آفرین حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان «امام» و «الگوی توحیدی» می‌پردازد. هدف، تبیین نقش ایشان در بازسازی هویت دینی و تحلیل ابعاد تمدنی سیره ابراهیمی بر اساس آیات قرآن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی آیات مرتبط با ابراهیم علیه السلام و با استفاده از تفاسیر معتبر و بررسی تطبیقی ظرفیت الگوبرداری برای چالش‌های جامعه انسانی می‌کوشد تا به این سوال پاسخ دهد که تمدن و فرهنگ ابراهیمی چه ویژگی‌ها و عملکردهایی دارد؟ یافته‌های کلیدی و ویژگی‌های تمدن‌ساز ایشان، تأثیرات فرهنگی-اجتماعی، الگوی حل چالش‌های معاصر، نابرابری اجتماعی و تحریف فرهنگی است. ابراهیم علیه السلام با ترکیب «امامت الهی» و «تعقل جمعی»، مقدمات شکل‌گیری تمدن و حیانی را فراهم کرد؛ این تمدن سه رکن اساسی دارد: معنویت، عدالت و عقلانیت اخلاقی. نتیجه آنکه سیره ابراهیم علیه السلام ظرفیت راهبردی برای پاسخ‌گویی به بحران‌های تمدن انسانی در چارچوب قرآن ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ابراهیم علیه السلام، شخصیت، تمدن‌سازی دینی، فرهنگ.

استناد به مقاله:

نامداری، ابراهیم، محسن فریادرس، معصومه خورشیدوند. (سال). نقش حضرت ابراهیم علیه السلام در فرهنگ آفرینی و تمدن‌سازی از منظر قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۱-۰۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.544577.1514>

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول).

[enamdari@abru.ac.ir](mailto:enamdari@abru.ac.ir)

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مطالعات قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

## مقدمه

تمدن‌ها «فرهنگ‌ساز» و فرهنگ‌ها «رفتارساز» هستند. فرهنگ، بخش نرم‌افزاری دستاورد بشریست و تمدن، بخش سخت‌افزاری این دستاوردهاست که تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. (معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه تمدن). یکی از مسائل بنیادین در مطالعات دینی و تمدنی، بررسی نقش شخصیت‌های الهی در فرهنگ و تمدن جوامع است. حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان یکی از چهره‌های محوری در قرآن کریم، نه تنها یک پیامبر، بلکه به عنوان «امت» و «امام» (بقره: ۱۲۴) معرفی شده است. این جایگاه ویژه نشان‌دهنده تأثیر گسترده او در بازسازی هویت دینی و تمدنی بشر است.

آیات قرآنی حاکی از آن است که ایشان نه تنها تحول‌آفرین در نظام‌های فکری و عبادی عصر خود بودند، بلکه بنیان‌گذار گفتمانی نو در حوزه‌های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی نیز محسوب می‌شوند. پژوهش درصدد است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: الف: ویژگی‌های شخصیتی حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن که به تمدن‌سازی کمک کرده، کدامند؟ ب: تأثیرات فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی سیره ابراهیمی بر جوامع بشری چگونه قابل تبیین است؟ هدف نهایی پژوهش تبیین نقش الهام‌بخش شخصیت ابراهیمی در تمدن‌سازی و ارائه راهکارهایی برای مواجهه با چالش‌های جهان امروز بر اساس آموزه‌های قرآنی است.

## پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره انبیاء الهی، خلأ پژوهشی جدی در تحلیل نقش تمدن‌ساز حضرت ابراهیم علیه السلام از منظر قرآن احساس می‌شود. نزدیک‌ترین پیشینه‌ها برای پژوهش حاضر عبارت است از:

الف) اصغر منتظرالقائم و زهرا سلیمانی شیخ‌آبادی در کتاب «نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی» به تحلیل نقش پیامبران، به‌ویژه حضرت ابراهیم در شکل‌گیری بنیان‌های تمدنی می‌پردازد. این اثر به واکاوی و توصیف و تحلیل سیره، عملکرد و اقدامات انبیای الهی در زمینه تمدن‌سازی بشری پرداخته است.

ب) نعیمه پیران‌دوچی و ناهید نصیحت در نوشتار «جلوه‌های هنری داستان حضرت ابراهیم در قرآن» گرچه به بررسی ابعاد زیبایی‌شناختی داستان حضرت ابراهیم پرداخته‌اند، اما تحلیل تمدنی و اجتماعی در آن مشاهده نمی‌شود.

ج) سمانه زراعتی در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم در متون تفسیری و عرفانی تا پایان قرن هفتم هجری» نیز به تطبیق میان تفسیر عقل‌گرایانه و باطنی داستان حضرت ابراهیم پرداخته است.

د) محمد شفیع دارابی و زهره باقریان در نوشتار «ویژگی‌های انسان تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم» به صورت غیرمستقیم به تمدن‌سازی حضرت ابراهیم اشاره می‌کند، اما تمرکز اصلی بر ویژگی‌های کلی انسان قرآنی است.

ه) زینب چرونده در پایان‌نامه «تحلیل عناصر هنری و ادبی داستان حضرت ابراهیم» با رویکرد ادبی، ساختار و روایت داستان حضرت ابراهیم در قرآن را تحلیل می‌کند.

تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه‌های ذکر شده در این است که این تحقیق حضرت ابراهیم علیه السلام رو به عنوان الگویی تمدن‌ساز در مرکز پژوهش قرار داده در حالی که دیگران به کلیات پیامبران، ابعاد ادبی، یا تفسیر صرف پرداخته‌اند، به دیگر بیان هدف پژوهش تبیین نظریه‌ای کاربردی برای جهان امروز است؛ ولی پژوهش‌های مقایسه شده فاقد این جهت‌گیری حل مسأله محور هستند. بنابراین پژوهش سعی شده با پر کردن قسمتی از شکاف مطالعاتی موجود (فقدان تحلیل تمدنی از شخصیت ابراهیم علیه السلام)، از نمونه‌های مشابه متمایز می‌شود.

## مبانی نظری تمدن

معنای لغوی این واژه که از ریشه مدن گرفته شده تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت، و نیز انتظام شهر نمودن و مجازاً تربیت و ادب. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۹۷۲) ناظر به تعریف اصطلاحی تمدن مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی افراد یک جامعه در یک منطقه جغرافیای مشخص و با رویکرد پسینی، به معنای پیشرفت و توسعه همه جانبه (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۶۰؛ ج ۷، ص ۳۶۷؛ ج ۲، ص ۴۰۶).

پس تمدن صرفاً ساخت شهرهای بزرگ یا پیشرفت تکنولوژیک نیست؛ بلکه دگرگونی ژرف در روح و رفتار انسان است. وقتی انسان از حالت «فرد خشن و جاهل بی قانون» بیرون می آید و به جای آن، «ظریف اندیش، اهل مدارا، دانا و منظم» می شود، آن گاه تمدن زاده می شود. تمدن از نگاه دهخدا، فرآیند انسان شدن جمعی است؛ پروانه وار گریختن از پيله خشونت و جهل، و پرواز به سوی شهری که در آن، ظرافت روح و انضباط اخلاقی حاکم است.

### فرهنگ

این واژه مرکب از «فر» به معنای «پیش و جلو» و «هنگ» به معنای «کشیدن» بوده (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۶، ص ۸۸) که در مجموع مفهوم جلو کشیدن را منتقل می کند. ناظر به تعریف اصطلاحی، فرهنگ به عنوان مجموعه ای از باورها، ارزش ها، آداب و رسوم، و توانایی هایی تعریف شده که افراد برای ادامه زندگی و توسعه جامعه کسب می کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۳۵۲). پس می توان گفت «فرهنگ، نظام فکری و ارزشی شکل گرفته از آموزه های هر قومی است و شامل عقاید، شریعت، اخلاق و دانشی می شود که زندگی آنان را در جنبه های مختلف سامان می دهد. پس فرهنگ اسلامی نیز صرفاً مجموعه ای از اطلاعات نیست، بلکه هویتی تمدنی است که بیانگر شیوه تفکر و رفتار مسلمانان در پرتو قرآن کریم و سنت نبوی است» (عزیمی و دیگران، ۲۰۰۸، ص ۲۷).

### ۱. شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن

ابراهیم خلیل علیه السلام چهارمین پیامبری است که در قرآن از او یاد شده و دومین حلقه از پیامبران صاحب شریعت و کتاب است. او علاوه بر مقام نبوت و رسالت، دارای مقام امامت نیز بود و پیامبرانی برای ترویج شریعت او مبعوث شدند. قرآن کریم حضرت ابراهیم علیه السلام را با صفات والایی مانند «حنیفا» (آل عمران: ۶۷، نساء: ۱۲۵)، «موقنا» (انعام: ۷۵)، «صدیقا» و «نبیا» (مریم: ۴۱)، «عبدا» (زخرف: ۲۶)، «محسنا» (نساء: ۱۲۵)، «بقلب سلیم» (صافات: ۸۴)، «اماما» (بقره: ۱۲۴) و «صالحا» (انعام: ۸۳-۸۵) ستوده است. این صفات در آیات متعددی بیان شده و شخصیت ایشان را به شرح زیر ترسیم می کند: الف: هدایت و آگاهی: از دوران جوانی، فردی رشید، خداپرست و آگاه بود: «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ...» (انبیاء: ۵۱)؛ ب: توحید و دوری از شرک: همواره در مسیر توحید حرکت کرد و به مشرکان فرمود: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّكْرِ...» (انعام: ۷۹)؛ ج: صداقت: پیامبری راستگو در گفتار و عمل بود: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ...» (مریم: ۴۱)؛ د: قلب سلیم: قلبی پاک و پیراسته از شرک داشت: «إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات: ۸۴).

### ۱-۱. تأثیر حضرت ابراهیم علیه السلام بر تمدن سازی از منظر قرآن

از نخستین اسناد به دست آمده از دوره پیش از تاریخ در زمینه اولین تمدن های بشری، انبیا الهی همواره نقش اول را در تکوین ساختار تمدن به ویژه تعلیم و تربیت انسان، چگونه زیستن، مدیریت اجتماعی و معارضه با حکام جور را بر عهده داشته و رهنمودهای انبیا الهی در طول تاریخ پا به پای عقل و اندیشه همواره هدایتگر بشر در سخت ترین شرایط بوده است. ویل دورانت نویسنده مشهور معتقد است که

بسیاری از علوم و صنایع توسط حضرت ابراهیم علیه السلام به بشر آموخته شده و ریشه بسیاری از علوم و صنایع مصر و سایر کشورها را باید در دین و مذهب ابراهیم جستجو کرد (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱).

حضرت ابراهیم علیه السلام با صراحت لهجه و شیوه‌های نو در دعوت، به مبارزه با شرک و کفر پرداخت و حتی در برابر آتش دشمنان به یاری خداوند نجات یافت. او با هجرت از بابل به مصر و فلسطین زمینه گسترش توحید و تمدن‌سازی الهی را فراهم کرد. (فروهی، ۱۳۹۹، ص ۱۳)

هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام با هدف گسترش و تبلیغ آرمان‌های الهی صورت پذیرفت. خداوند، به پاس این هجرت‌های پرارزش، نعمت‌های بزرگی بر او ارزانی داشت: فرزندان شایسته و نیک‌سرشتی که ادامه‌دهنده راه او شدند. در دودمان او، نبوت و کتاب آسمانی را قرار داد و بدین ترتیب، حضرت ابراهیم علیه السلام را به عنوان نیای پیامبران بزرگ گرامی داشت. در کنار این پادشاه‌های اخروی، خداوند در دنیا نیز «نام نیک» را برای او به ارمغان آورد و در آخرت، مقام او را در زمره صالحان قرار داد. (حسینی، ۱۳۸۳، صص ۱۵-۱۶) هجرت ایشان حتی انتقال فیزیکی سازمان از مکانی به مکان دیگر را در پی داشته است که بعد از ایجاد سازمان در فلسطین، به مکه رفته و سازمان دیگر را ایجاد می‌کند. (حسین اف، ۱۴۰۱، صص ۴۱-۷۳)

حضرت ابراهیم علیه السلام تمدن‌سازی خود را با معرفت بخشی به خلق خدا درباره خداوند آغاز نموده ابتدا خود بدان عمل نمود تا لقب «خلیل الرحمان» گرفت. آن حضرت عنوان «قهرمان توحید» را برای مبارزه با شرک بت پرستی کسب کرد. مبارزات او ابتدا از بت‌های بی روح و جان (انبیا: ۵۲)، موجوداتی همچون: ستاره ماه و خورشید (انعام: ۷۶-۷۸) آغاز گردید. ایشان با این ترفند توانست توجه مردم را به سوی خالق آنها سوق دهد. در ادامه مبارزه با موجودات دارای جان مثل نمروود مبارزه نمود. (بقره: ۲۵۸) از دیگر تمدن‌سازی ایشان هجرت‌های گوناگون در راه خدا بود (صافات: ۹۹، مریم: ۴۹-۴۸، عنکبوت: ۲۶، انبیا: ۷۱).

### ۱-۱-۱. مبارزه با شرک

آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که شرک و بت پرستی در میان قوم ابراهیم تنوع بیشتری داشته است. آنها اجرام آسمانی را می‌پرستیدند و برای هر کدام از اجرام به نمایندگی بت‌هایی را در زمین پرستش می‌کنند که در موارد گوناگون حضرت ابراهیم مقابل با آنها برآمده است (انعام: ۷۴-۷۷).

حضرت ابراهیم علیه السلام با توجه به شناخت دقیق وضع نامناسب موجود قوم خویش در دو زمینه فرهنگی-اعتقادی و رفتاری-اجتماعی از روی وظیفه پیامبری قوم خود را ارشاد و هدایت می‌کرد. آن حضرت با اعتقاد بر ربوبیت خداوند تدبیر و پرورش در همه هستی را فقط برای خدا می‌دانست بر همین اساس آن حضرت چنین وضع مطلوبی را برای قومش ترسیم می‌کرد. ایشان در ابتدای امر پس از اثبات بطلان بت پرستی، آگاهی و علم خود را اعلام می‌کند و می‌فهماند که وضع مطلوب تبعیت از علم من است (مریم: ۴۳). برای مباحث اعتقادی قوم وضع مطلوب را در عبادت خداوند و تقوای او دانسته است (عنکبوت: ۱۶). آن حضرت با معرفی افراد موفق و هدایت یافتگان، وضع مطلوب را رسیدن انسان به آن موقعیت می‌داند که در آن حالت انسان امنیت و هدایت دارد (انعام: ۸۲). ایشان امنیت داشتن و رسیدن به هدایت را دو رکن اصلی و ویژگی انسان در سازمان موفق یاد می‌کند که از ایمان به دست می‌آید.

حضرت ابراهیم علیه السلام در چهارچوب معرفتی خود که توحید خداوند به خصوص توحید ربوبی بود و با توجه به رسالت و هدفش که هدایت مردم به سمت خدا و عبادت خالق یکتا بود در قوم شناسی خود قومش را از نگاه فرهنگی-اعتقادی و رفتارهای اجتماعی مورد

بررسی قرار داد. او در این زمینه با گروه‌های مختلف آنها به بحث پرداخته، ادله آنها را در مورد خدایانشان با روش‌های گوناگون ابطال نمود. ولی از آنجا که آنها از نظر فرهنگی اعتقادی و روابط اجتماعی در پست‌ترین حالت به سر می‌بردند نه تنها به سخنان هدایت بخش آن حضرت پاسخ مثبت نمی‌دادند؛ بلکه آن حضرت را تهدید به مرگ و دورگشتن او از آنها نموده و با او احتجاج می‌نمودند. (حسین اف، ۱۴۰۱، صص ۴۱-۷۳)

### ۱-۱-۲. صبر و استقامت در آزمایش‌های الهی

حضرت ابراهیم علیه السلام سه شب پیاپی خواب دید که یگانه فرزندش را برای خدا قربانی می‌کند از این رو، پس از رسیدن به اطمینان قلبی نسبت به صادق بودن رویایش تصمیم به انجام این فرمان الهی گرفت سه بار خواب دیدن حضرت ابراهیم علیه السلام و سه بار روبرو شدن با شیطان و سنگ انداختن به سوی او، نشانگر تردید ابراهیم علیه السلام در این امتحان بسیار دشوار الهی است که می‌خواهد یگانه فرزند خویش را که از صالحان و بزرگان است، قربانی نماید و به این سبب پاسخ اسماعیل علیه السلام به ابراهیم علیه السلام که از یقین استوار او برخاسته در واقع تلقین صبر و بردباری به پدر در راستای انجام ماموریت الهی است. (قمری شریف آبادی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۴)

در واقع، حضرت ابراهیم علیه السلام در این آزمون دشوار، نفس خویش را قربانی کرد، نه فرزند صالحش را. پس مراد از ذبح عظیم در آیه «وَقَدْ يَنْبَأُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ» (صافات: ۱۰۷) نفس ایشان است که فدای اسماعیل علیه السلام شد. اسماعیلی که محمد رسول‌الله از نسل پاک اوست و با پیروی از راه توحیدی پدرش، ابراهیم خلیل الله علیه السلام به راه راست سفارش شده است. به این ترتیب، پس از موفقیت در این آزمون الهی، خداوند تعالی به ابراهیم علیه السلام سلام و برکت عطا کرد و با به دنیا آمدن فرزند صالحی به نام اسحاق علیه السلام از همسرش ساره، پاداش احسان او را بشارت داد (صافات: ۱۰۹-۱۱۲). همچنین در نسل منور و مطهر ابراهیم علیه السلام، پیامبران صاحب کتاب و حکمت و نیز انبیاء و اولیای اهل حکمت و آگاهی راه یافتند؛ به طوری که کتاب و شریعت الهی را به موسی از نسل او اعطا کرد و حکمت و معرفت رحمانی را به عیسی از نوادگانش بخشید. بنابراین، ابراهیم علیه السلام توانست همه آزمون‌های دشوار ربوبی که همان امتحان با کلمات و اذکار رحمانی بود - را با موفقیت پشت سر گذارد و به مقام امامت، یعنی ولایت انسان کامل، دست یابد (بقره: ۱۲۴).

### ۱-۱-۳. دعوت به حق و استدلال منطقی

امامت، مقامی الهی و منزلتی والا است که خداوند متعال به برخی از پیامبران و بندگان برگزیده‌اش عطا می‌کند. درک درست از این مقام، نیازمند آگاهی عمیق از مفهوم امامت است. در آیه ۱۲۴ سوره بقره، که به «آیه امامت» حضرت ابراهیم علیه السلام مشهور است، خداوند امامت را برای آن حضرت جعل می‌کند. این جعل الهی پس از آن صورت می‌گیرد که حضرت ابراهیم در آزمایش‌های سخت الهی موفق می‌شود. بنابراین، پیروی از او در حقیقت پیروی از خداوند است و راه هدایت را پیش روی بشر می‌گشاید. از این رو، تبعیت از اوامر و نواهی کسی که به چنین مقامی رسیده، بر همگان لازم و واجب است (غلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

یکی از برجسته‌ترین الگوهایی که قرآن کریم به آن اشاره می‌کند، حضرت ابراهیم علیه السلام است. آن حضرت، با قیام به دین فطرت و نشر عقیده توحید، مردم را از شرک و دوگانگی پاک ساخت. در روزگاری که مردم سنت توحید را که حضرت نوح و پیامبران پس از او یادآور شده بودند، فراموش کرده و به بت‌پرستی روی آورده بودند، حضرت ابراهیم با شجاعت و استواری، مردم را از بت‌پرستی نهی و به توحید دعوت می‌کرد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۶۰). وی با توجه به شرایط زمانه، دعوت‌های گوناگونی داشت؛ از آزر و قوم بت‌پرست گرفته تا ستاره‌پرستان، همه را به یکتاپرستی و عبادت خداوند دعوت نمود:

## ۱-۳-۱-۱. دعوت آزر

حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با پدر خود، آزر که زندگی‌اش در بت و بت‌پرستی خلاصه می‌شد، با ادب و احترامی ستودنی سخن می‌گفت و او را به سوی خدای یکتا دعوت می‌نمود. ایشان، نمونه‌ی اعلا‌ی آمر به معروف و ناهمی از منکر در میان قوم خود بودند. در شیوه‌ی دعوت و سخنان آن حضرت، لطایف و نکاتی ارزشمند نهفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. ادب و احترام در امر به معروف: قرآن کریم، بهترین گواه بر ادب و احترام حضرت ابراهیم علیه السلام است. در آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مبارکه مریم، این ادب به وضوح دیده می‌شود. اولاً، خطاب حضرت به پدر خود با عبارت «یا اَبَتِ» و تکرار آن در فواصل کوتاه، نشان‌دهنده‌ی فروتنی، خضوع و احترام عمیق ایشان در دعوت به توحید است. یا اَبَتِ دلالت بر منادا دارد که اصل آن یا اَبی با اضافه یاء متکلم به پدر برای تحت تأثیر عاطفی قرار دادن پدر نسبت به پسر به کار می‌رود؛ در این نوع منادی می‌توان یاء متکلم را حذف کرد و به جای آن «تِ» با کسر قرار داد تا دلالت عاطفی آن بیشتر شود و احترام و فروتنی در مقابل پدر را بیشتر نمایان سازد. ثانیاً، استفاده از جملات سوالی به جای جملات امری، ادب و تواضع ایشان را بیشتر آشکار می‌سازد؛ چرا که بیان خواسته به صورت استفهامی یعنی «پدر جان چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند، می‌پرستی؟» به گونه‌ای نشان از نزدیک بودن دو نفر دارد و به گونه‌ای می‌خواهد وجدان درون شخص مقابل را بیدار سازد. ثالثاً، حضرت در بیان علت دعوت خود، با فروتنی می‌فرماید: «در نزد من علمی است که در نزد تو نیست.» ایشان از بیان برتری خود در علم پرهیز می‌کنند و این علم را خدادادی می‌دانند، گویی اگر این علم نزد پدر ایشان بود، حضرت نیز از او پیروی می‌کرد. این شیوه، اوج ادب در خطاب است.

ب. بیان علت نهی از منکر برای رشد فکری:

در مرحله‌ی نهی از منکر، حضرت ابراهیم علیه السلام اموری را رعایت می‌کنند که نشان‌دهنده‌ی حکمت و بصیرت ایشان است. اول، ذکر علت نهی: ایشان از پدر - البته بایستی اختلاف مفسرین در تفسیر واژه آب که می‌تواند به عمو، مربی یا پدر ابراهیم علیه السلام تفسیر شود را در نظر داشت - خود می‌پرسند چرا چیزی را می‌پرستد که نه می‌شنود، نه می‌بیند و نه نیازی از او برطرف می‌سازد؟ این پرسش، آزر را به لغو بودن عبادت خود آگاه می‌کند. دوم، حضرت پرستش بت‌ها را امری قبیح می‌شمارد و آن را معادل پرستش شیطان عصیان‌گر معرفی می‌کند، تا زشتی این عمل را آشکار سازد.

ج. ایجاد امید در حین دعوت: در دعوت به توحید، حضرت ابراهیم علیه السلام از میان صفات الهی، صفت «رحمانیت» خداوند را برگزیدند. این انتخاب، نه تنها موجب دلگرمی و امیدواری مخاطب می‌شود، بلکه راه توبه و بازگشت را نیز به روی او می‌گشاید. با تأکید بر رحمت بی‌کران خداوند، حضرت ابراهیم علیه السلام نشان می‌دهند که درهای رحمت الهی همواره به روی بندگان باز است، مشروط بر اینکه آنها نیز به سوی حقیقت روی آورند.

این شیوه‌های دعوت، نه تنها نشان‌دهنده‌ی حکمت و بصیرت حضرت ابراهیم علیه السلام است، بلکه الگوی کاملی برای همه‌ی کسانی است که در راه امر به معروف و نهی از منکر گام برمی‌دارند.

## ۱-۳-۲. دعوت بت پرستان

حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با قوم خود ابتدا به بیداری افکار آنها پرداخت و سپس آنها را به سوی توحید دعوت کرد، شیوه او در این کار عبارت بود از: الف: بیداری اذهان خفته: (شعرا: ۷۳-۷۲)، (عنکبوت: ۱۷)، (انبیا: ۵۲)؛ ب: معرفی رب حقیقی و توجه بت پرستان به تقوای الهی (شعرا: ۸۱-۷۸)، (انبیا: ۵۶)، (صافات: ۸۷-۸۶).

۱-۳-۳. دعوت ستاره پرستان

دین بابلی‌ها اساساً ستاره پرستی بود حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با گروه ستاره پرستان شیوه جدیدی اتخاذ کرد که شامل همراهی با خصم تا سقوط او (انعام: ۷۸-۷۶)، جستجو و استدلال بر وجود پروردگار (انعام: ۸۳) و دعوت به توحید (انعام: ۷۹-۷۸) بود (ملیحه سادات، ۱۳۸۱، ص ۵۹)

## ۱-۲. تاثیر شخصیت ابراهیم بر فرهنگ جوامع از منظر قرآن

چگونگی عمل و رفتار و برخورد با موضوعات اجتماعی، نحوه عملکرد، اعمال و رفتار انسان ضمن اینکه گویای شخصیت و منش اوست، در زندگی و ارتباط با دیگران و رسیدن به اهداف مورد نظر بسیار با اهمیت است. در قرآن کریم در کنار ایمان همیشه از (عمل صالح) یاد شده تا اهمیت آن را متذکر گردد. از دیدگاه قرآن ابراهیم، اولین پیامبر صاحب کتاب آسمانی و دومین رسول اولوالعزم از بزرگترین شخصیت‌های الهی است که در میان پیامبران دیگر از امتیازات ویژه برخوردار است. زندگی پرفراز و نشیب را به عنوان الگو و اسوه برجسته ساخته است. در شیوه رفتار آن حضرت، ترویج عملی خداپرستی، تهذیب نفس، تربیت عملی افراد جان و به ویژه اعضای خانواده خود، امر معروف و نهی از منکر و در جایی هم با شکستن بت‌ها، جهاد و هجرت بوده است. (جعفرزاده، ۱۳۹۵، ص ۱)

الگوگیری از قرآن در فرهنگ‌سازی امری بسیار راهگشاست؛ خصوصاً که روش پیامبران و اصولی را که آنان برای ساختن فرهنگ رعایت می‌کردند نیز گزارش کرده است. در حقیقت آنچه پیامبران انجام دادند که به معنای واقعی، اصلاح فرهنگ بشری در کلیت آن بود، با آموزه‌های قرآن قابل دسترسی است؛ روشنگری و آگاه‌سازی» (توبه: ۶۴؛ یوسف: ۱۰۲)، تبیین و توضیح (آل عمران: ۱۱۸ و ۱۰۳؛ نحل: ۴۴)، تشریح مسائل (مائده: ۷۶-۷۲، بقره: ۱۸۷) و تمثیل (بقره: ۲۶۶) استفاده می‌کند. بنابراین، کارکرد ادیان الهی باعث اصلاح فرهنگ‌ها می‌شود؛ چنانکه هدف اساسی ادیان الهی نیز مؤید همین واقعیت است. (آل عمران: ۱۶۴؛ اعراف: ۱۵۷).

### ۱-۲-۱. ویژگی‌های شخصیتی ابراهیم علیه السلام

ابراهیم علیه السلام از منظر الهی به تنهایی امتی بود، (نحل: ۱۲۰) ندای این پیامبر بزرگ، در برپایی حج تا قیامت طنین انداز است (حج: ۲۷). پیامبری که نامش در کنار نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد و دینش مورد تبعیت پیامبر خاتم است و زندگی‌ش سرشار از حقایقی است که با تدبیر و به توفیق الهی باید به آنها دست یافت. (عابدینی، بی‌تا، ص ۳۲)

حضرت ابراهیم «فطرت مجسم» است به این معنا که خدای متعال، سیر عبودی در مسیر قرب خود را با وجود مبارک حضرت نشان داده است خداوند درباره زندگی اغلب انبیای دیگر، تنها بخش‌های خاص و کوتاهی نقل کرده و از اولین لحظه وجود و ابتدای ادراکات ایشان، صحبتی به میان نیاورده است، اما درباره زندگی حضرت ابراهیم، هم در آیات قرآن و هم در روایات معصومان علیه السلام این سیر به طور کامل نمایان است. (عابدینی، بی‌تا، ص ۴۷)

آیاتی که درباره حضرت ابراهیم نازل شده است برای بیان مصداقی کامل از قیام به دین فطرت، و نشر توحید است. به عبارت دیگر در میان انبیا، ابراهیم پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نشر توحید بی‌نظیر بوده و مظهر تام آن در بین انبیا به شمار می‌رود. (طباطبائی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۵۵)

ابراهیم خلیل علیه السلام در طول زندگی پربرکت خویش به صورت‌های گوناگون، مردم را به طور عینی با حقایق الهی روبرو کرد. ایشان در این مسیر، با افراد و گروه‌های گوناگون گفتگو و احتجاج نمود. اولین احتجاج حضرت با آزر است؛ یعنی از همان ابتدای ورودش به خانه پدری، دومین احتجاج با قوم خود؛ یعنی بعد از اینکه وارد صحنه عمومی تری از اجتماع شد، سومین احتجاج مربوط به بعد از جریان به

آتش افتادن. پیش از این حادثه با ستاره پرستان و خورشید پرستان هم احتجاج کرده است. چهارمین احتجاج آن حضرت هم با خود نمرود است. گفتگوهای ابراهیم علیه السلام همیشه با مهربانی و متانت همراه بوده است. بر اساس آیه ۴۱ سوره مریم بین گفتار و کردار و ظاهر و باطن ابراهیم علیه السلام هیچ تفاوتی وجود ندارد چرا که او فطرت مطلق است و آنچه را که بر زبان می‌آورد بیان همان فطرت الهی است. (عابدینی، بی‌تا، صص ۱۱۸-۱۲۸)

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی بینش و طریقه بت پرستی را به چالش می‌کشد و می‌بیند که بت پرستان پاسخی ندارند و جهلشان آشکار می‌شود تبعیت فطری از خداوند را مطرح می‌کند. (مریم: ۴۴)

### ۱-۲-۱. ولایت پذیری الهی و رد ولایت شیطانی

قرآن به صراحت به موضع‌گیری حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر شیطان و تسلیم نشدن محض او در برابر شیطان به روش‌های گوناگون اشاره دارد:

الف: مخالفت با شرک و بت پرستی: ابراهیم خود را از هرچه غیر خدا می‌پرستیدند بیزار خواند (زخرف: ۲۶-۲۷) و بعد از اینکه با ایشان احتجاج کرد، و ایشان جز سیرت پدران به طوری که در سوره انعام و انبیاء و شعراء و سوره‌های دیگر آمده، دلیل دیگری را ارائه ندادند. و معنایش این است که: ای پیامبر به یاد ایشان بیاور آن زمان را که ابراهیم علیه السلام از آلهه، پدر و قومش بیزار می‌جست چون ایشان آلهه خود را به استناد تقلید پدران می‌پرستیدند، و هیچ حجت و دلیلی بر آن نداشتند و ابراهیم تنها به اعتقاد و نظر خود اکتفا کرد. و در اینکه خدا به فطر (ایجاد) توصیف کرده، اشاره است به حجت و ربوبیت و الوهیت خدای تعالی؛ چراکه فطر و ایجاد جدای از تدبیر، امر موجودی است که کل عالم را ایجاد کرده است؛ کسی که امور آنان را تدبیر می‌کند، پس تنها او سزاوار آن است که پرستیده شود. (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۸، صص ۱۴۱-۱۴۲)

ب: مقاومت در برابر وسوسه‌های شیطان: ابراهیم علیه السلام پس از سال‌ها انتظار، صاحب فرزندی شد. وقتی پسرش بزرگ شد، در خواب دید باید او را قربانی کند. این خواب سه بار تکرار شد، پس فهمید فرمان خداست. وقتی موضوع را با پسرش در میان گذاشت، او با کمال ایمان پذیرفت. تعبیرات پدر و پسر پر معنی است و ریزه‌کاری‌هایی در آن نهفته است، از یک سو پدر با صراحت مسئله ذبح را با فرزند در میان می‌گذارد، و از فرزند می‌خواهد در این پیکار بزرگ بانفس شرکت کرده و لذت تسلیم و رضا را همچون پدر بچشد! از سوی دیگر فرزند هم می‌خواهد پدر در عزم و تصمیمش راسخ باشد، و از سوی سوم مراتب ادب را در پیشگاه پروردگار به عالی‌ترین وجهی نگه می‌دارد، هرگز به نیروی ایمان و اراده و تصمیم خویش تکیه نمی‌کند، بلکه بر مشیت خدا و اراده او تکیه می‌نماید و با این عبارت از او توفیق پایمردی و استقامت می‌طلبد. قرآن می‌گوید: «هنگامی هردو آماده شدند، و ابراهیم جبین فرزند را بر خاک نهاد...» او را ندا دادیم: «که ای ابراهیم آنچه ماموریت یافتی انجام دادی...» اینجا بود که خداوند با ذبحی بزرگ (فرستادن قوچی بزرگ به جای فرزند)، هر دو را از این آزمایش سخت نجات داد. (صافات: ۱۰۲-۱۰۷)، (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱۹، صص ۱۱۱-۱۱۶)

### ۱-۲-۲. حسن خلق و سیره عملی

سیره در اصطلاح دینی به معنای طریقه روش و رفتار و اخلاق عملی به کار رفته است. چنان که علامه از سیره، به عنوان نوع خاص رفتار و عملکرد انسان تعبیر می‌کند. (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۷۸) کلمه «اسوه» سه بار در قرآن مجید به کار رفته است یک بار درباره پیامبر (احزاب: ۳۳، ۲۱) یک بار در مورد حضرت ابراهیم و مومنان همراه (ممتحنه: ۶۰، ۴) و نوبت سوم درباره یاوران حضرت ابراهیم (ممتحنه: ۶۰، ۶) خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ابراهیم و یاران او، اسوه‌ای نیکو برای شمایند. هنگامی که به قوم خود گفتند:

ما از شما و آنچه به غیر خدا می‌پرستید بیزاریم و راه شما را رد می‌کنیم و بین ما و شما دشمنی و کینه همیشه خواهد بود، تا آنگاه که به خداوند بی شریک ایمان آورید. مگر سخن ابراهیم که به پدرش گفت: «من به زودی برای تو استغفار می‌کنم و عذاب الهی را از تو نمی‌توانم برگردانم». (ممتحنه: ۶۰، ۴-۵)

یکی از اخلاق‌های ایشان فطرت خداجوی ایشان بوده است، چنانچه حضرت خاطر نشان می‌کند؛ در قدم اول برای شناخت خالق هستی و حرکت توحیدی، نظر کردن به عالم هستی است البته نه از این حیث که این‌ها، خود مدبر و مربی عالم هستی اند؛ بلکه با این دید که همه اینها نشانه‌هایی از خالق حکیم و یکتا می‌باشند که بر تمام آنها نظاره دارد درست است. که عالم بسیار عظیم و بزرگ است و شگفتی‌های بی‌نهایت، آن را احاطه کرده؛ اما آنچه حقیقتاً ستودنی است خالق این نظام بی‌نهایت است. (حیدری، ۱۳۹۳، ص ۵۸)

ابراهیم علیه السلام در برابر عموم مردم با بهره‌گیری بهینه از بسترها و فرصت‌ها و تجاهل مماشات با آنها بهترین منطق را برمی‌گزیند. آن حضرت از ویژگی‌های اخلاقی منحصر به فردی برخوردار است. نسبت به خداوند بسیار مهر می‌ورزد تا آنجا که این ویژگی او را به مقام خلت می‌رساند (نساء: ۱۲۵) و به عنوان خلیل خدا برگزیده می‌شود. او به چنان یقینی رسیده است که ملکوت را به راحتی مشاهده می‌کند (انعام: ۷۵). علامه توضیح می‌دهد که ملکوت به معنای حقیقت باطنی و نظام غیبی آفرینش است و ابراهیم علیه السلام با مشاهده آن به یقین رسید (طباطبایی، بی‌تا، ج ۷، صص ۲۶۵-۲۷۰؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۵، صص ۲۹۰-۲۹۵). از هر نوع شک و تردیدی خالی می‌شود و به مرحله‌ای از صداقت راستی رسیده که هیچگاه زبان به دروغ نمی‌آلاید، در نیایش خویش، هم برای خود دست به دعا برمی‌دارد و هم برای جامعه. برای خود حکم و صلاح و قبول اعمال و بهشت را می‌طلبد، برای امامان علیهم السلام اسلام را و برای مردم امنیت و توسعه اقتصادی مسألت می‌کند. با همسران ارتباط عاطفی عمیقی برقرار می‌کند و با سپردن مدیریت داخلی منزل با آنها روحیه مسئولیت‌پذیری را در آنها می‌دمد. فرزندان را با دعا و آرزوهای بلندی که در سر دارد همیشه به بزرگی یاد می‌کند و زمینه‌های فراوانی برای امامت و سرآمدی ایشان آماده می‌کند در برخورد با جامعه مشرکین، از راه گفتگو با آنها و مانع زدایی و بسترسازی به دعوت آنها به توحید و یکتاپرستی می‌پردازد و در مواقع لازم از آنها و یا عقایدشان براثت می‌جوید (بقره: ۲۵۸، انبیا: ۵۸-۶۷، انعام: ۷۴-۸۳)؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۶۰). حاکمان را به فراموشی نمی‌سپارد و با گفتگو و مهاجر و بت پرستی عظمت پوشالی دستگاه حاکمه را در هم می‌ریزد و مشروعیت آن را به چالش می‌خواند. در رفتار با قوم لوط که دچار عادت زشتی شده بودند صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد و چون به هدایت آنها امید دارد با ملائکه عذاب به مجادله برمی‌خیزد.

## ۱-۲-۲. ظرفیت‌های بیرونی شخصیت ابراهیم بر فرهنگ جوامع

شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام در آیات قرآن کریم به گونه‌ای متجلی است که سرشت و جود وی سرشار از خلاقیت، باروری، تعالی و ثمربخشی است. در ساحت وجودی، ایشان نشانه‌های والای عشق به حیات و مهر به هم نوعان و استقلال از مادر مثالی، به وضوح نمایان است که همگی دلالت بر عمق رشد معنوی-الهی و اصالت وجودی آن حضرت دارد. همچنین، شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام از جنبه‌های مختلف، به عنوان نمادی از استقلال روحی و فکری در آیات مختلف قرآن بررسی شده است. (رک: ممتحنه: ۴)

## ۱-۲-۲-۱. روش‌های تربیتی و تبلیغی

برای ترویج یک پیام الهی و ساختن جامعه‌ای آرمانی، نیاز به روش‌های تبلیغی مؤثر و متناسب با مضمون آن پیام است. همچنین، پرورش افراد جامعه مستلزم به‌کارگیری روش‌های تربیتی ناب و کارساز است. در این میان، شناخت سیره و روش‌های پیامبران در هدایت فرد و جامعه و ابلاغ رسالت الهی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این روش‌ها، تحت ارشاد الهی و با محتوایی مناسب به انجام

رسیده‌اند و اثرگذاری آنها تضمین شده است. بنابراین، همه دینداران حقیقت‌جو می‌توانند با اعتماد کامل از این روش‌ها بهره ببرند (عباسی مقدم و باجی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳).

حضرت ابراهیم علیه السلام در مناظره‌ها و گفتگوهای خود، برای اقناع مخاطبان از روش مقایسه به شیوه‌ای هوشمندانه بهره می‌گرفت. ایشان با طرح پرسش‌هایی استفهامی، مخاطبان را به مقایسه میان خدایان متعدد دعوت می‌کرد و وجدان حقیقت‌جوی آنها را به تعقل و تفکر فرامی‌خواند. در یکی از این گفتگوها، حضرت ابراهیم علیه السلام می‌پرسد: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟! یا سود و زبانی به شما می‌رسانند؟!» (شعرا: ۷۲-۷۳). سپس با مقایسه ویژگی‌های خدایان باطل و خدای یگانه، قضاوت را به عهده مخاطبان می‌گذارد: «آیا دیدید آن چیزهایی را که پیوسته پرستش می‌کردید، شما و پدران پیشین شما؟ همه آنها دشمن من هستند، مگر پروردگار عالمیان، همان کسی که مرا آفرید و راهنماییم می‌کند، و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید، و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد» (شعرا: ۷۵-۸۰). این مقایسه، از دل و اندیشه سلیم حضرت ابراهیم علیه السلام نشأت گرفته بود و هدف آن، نرم کردن دل‌های سالم و بیدار کردن وجدان‌های خفته بود.

حضرت ابراهیم علیه السلام مردم را به بازنگری روشمند در باورهای خود دعوت می‌کرد. او با استفاده از روش‌های منطقی و اخلاقی، عقاید مردم را در پیش چشمانشان به تصویر می‌کشید، بدون آنکه موضع‌گیری پیشینی داشته باشد. تلاش او بر این بود که نقد اجتماعی را با مهربانی و بدون احساس نفرت نسبت به سنت‌ها و باورهای قوم خویش پیش ببرد. «تردید سالم» که او در جامعه ایجاد می‌کرد و پرسش‌هایی که بر سر عقاید عامه می‌گسترده، همراه با روش هنرمندانه او در هدایت بحث، کارآمد می‌افتاد. این روش، فرآیند تبیین حق را به سرانجام می‌رساند، چنانکه مخاطبان سرانجام اعتراف می‌کردند: «تو می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند!» (انبیاء: ۶۴).

نتیجه این روش تبیین‌گر، ایجاد خودآگاهی فردی و اجتماعی نسبت به «حق» بود؛ آنچه می‌توان آن را غایت هر عمل اصیل دینی دانست. مردمی که در ابتدای بحث، شکسته شدن خدایان سنگی خود را ظلم می‌دانستند، اکنون خود را مستحق همان صفت می‌یافتند. این اعتراف دسته‌جمعی، نشانه موفقیت حضرت ابراهیم علیه السلام در تبیین حقایق و اقناع مخاطبان بود. استدلال حکیمانه و آمیخته به استهزای او، در میان جمعیت تأثیر عجیبی بر جای می‌نهاد و آنها را وادار می‌کرد تا پیرامون سخن او به اندیشه بنشینند و از خود بپرسند: چرا ما سنگ‌هایی را می‌پرستیم که قادر به دفع شر و زیان از خود نیستند؟ (حییبی جلودار و پاتیار، ۱۳۹۳، صص ۷-۳۰).

در حقیقت حضرت ابراهیم علیه السلام، مقتضای حال مخاطبان را به خوبی درک کرده است و می‌کوشد با شگردهای مختلف بلاغی تأثیرگذاری دوچندان در رفتار آنان ایجاد کند و نتیجه آن را در تسلیم شدن مخاطبان در برابر حضرتش می‌بینیم. این روش‌های اقناعی حضرت ابراهیم علیه السلام، نه تنها الگوی کاملی برای دعوت به حق است، بلکه نشان‌دهنده عمق حکمت و بصیرت آن حضرت در هدایت بشر به سوی توحید و حقیقت است.

## ۱-۲-۲. مناسک و آیین‌سازی

مراسم آیینی، وسیله اجرایی آموزه‌ها و دستوره‌های دینی و مذهبی در هر جامعه‌ای است و از آنجا که این دستورات، اغلب شامل تعالیم اخلاقی و تعدیل‌کننده افراط و تفریط‌های رفتاری برای اعضای یک جامعه است، می‌توان به روشنی به ارتباط مستقیم به مراسم آیینی با ارزش‌های اخلاقی پی برد. از دیگر کارکردهای بسیار مهم مراسم آیینی، ایجاد تعادل اخلاقی در سطح جامعه است. به طوری که مشاهده شده در بعضی از دوره‌ها بنا به مقتضیات زمانی و شرایط سیاسی، اجتماعی و حتی بحران‌های اقتصادی حاکم بر جوامع، اون دسته از مراسم‌های آیینی که نقش محرک، خنثی‌سازی و یا تعدیل‌کننده را در آن بحران بازی می‌کرده‌اند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و با شور و

هیجان و گستره عمل بیشتری برگزار می‌شدند و حتی گاهی منشا محرک دگرگونی‌ها و انقلاب‌های اجتماعی نیز شده‌اند. (مراسم آیینی و ارزشهای اخلاقی، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه)

### ۱-۲-۲-۳. جهانی‌نگری و قوم‌گرایی

شیوه حضرت ابراهیم علیه السلام در دعوت مردم به توحید، روشی هوشمندانه و تأثیرگذار است. ایشان با طرح یک سؤال ساده، عنصر عقل و فطرت را در مشرکان بیدار می‌ساخت. مشرکان در برابر منطق محکم و استوار او، که بر پایه توحید استوار بود، ناتوان می‌ماندند و دچار تردید جدی می‌شدند. همین تردیدها بود که عقل و وجدان آنها را بیدار می‌کرد و قلبشان را برای پذیرش حقایق آماده می‌ساخت. قرآن کریم این روش را چنین توصیف می‌کند: «هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟»، گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم و همواره به عبادت آنها مشغولیم». حضرت پرسید: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید، صدای شما را می‌شنوند؟ یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟» آنها پاسخ دادند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند». سپس حضرت ابراهیم علیه السلام فرمودند: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می‌کردید» (شعرا: ۷۰-۷۵).

در عهد عتیق و قرآن کریم، بارها به خصوصیات اخلاقی حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره شده است. قرآن او را مردی بردبار، رؤف و دلسوز توصیف می‌کند که برای خود و دیگران آموزش می‌طلبید (هود: ۷۵).

در برخی مناظره‌ها، حضرت ابراهیم علیه السلام با هدف جذب مشرکان به سوی حقیقت، ابتدا با آنها همراهی می‌کرد. ایشان، با وجود اعتقاد قاطع به توحید، موقتاً خود را در مقام بحث، همراه و هم‌عقیده مخاطب نشان می‌دادند. این روش، همبستگی و همدلی میان او و مشرکان ایجاد می‌کرد و باعث می‌شد تا آنها با سخنانش به گونه‌ای خصمانه برخورد نکنند. بدین ترتیب، نوای حقیقت عمیق‌تر در جان آنها رسوخ می‌کرد.

حضرت ابراهیم علیه السلام در حالی در برابر دنیای شرک و کفر آن زمان ایستاد که جامعه کاملاً آلوده به شرک بود و بیان چنین سخنانی، مرگ حتمی را به همراه داشت. زیرا این سخنان، قدرت‌های حاکم آن زمان را به شدت آشفته می‌ساخت. با این حال، حضرت ابراهیم علیه السلام با شجاعتی شگرف و آگاهی کامل از عواقب، در برابر مشرکان ایستاد و حقیقت را با قاطعیت اعلام کرد. این روش او، نه تنها نشان‌دهنده حکمت و بصیرت والای ایشان است، بلکه الگوی جاودانه‌ای برای همه دعوت‌کنندگان به حق باقی مانده است.

### نتیجه‌گیری

حضرت ابراهیم علیه السلام به‌عنوان اسوه‌ای کامل در قرآن، تمدنی توحیدی را بنیان نهاد که ترکیبی از عقلانیت، عبودیت، و اخلاق بود. ایشان با روش‌های حکیمانه‌ای مانند استدلال منطقی، مهرورزی، و استقامت، به مبارزه با شرک پرداخت و با گذراندن آزمون‌های سخت الهی (مانند ذبح فرزند و قرار گرفتن در آتش)، به مقام امامت و رهبری جامعه‌ای پربرت رسید. با استناد به یافته‌های این پژوهش، شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم نه تنها یک الگوی عبادی، بلکه الگویی جامع برای تمدن‌سازی و حیانی است که پاسخ پرسش‌های تحقیق را در سه محور به شرح ذیل ارائه می‌دهد:

۱. ویژگی‌های تمدن‌ساز ابراهیم علیه السلام: الف- امامت نظام‌ساز (بقره: ۱۲۴): دریافت مقام «امامت» به مثابه سنگ‌بنای مدیریت جامعه مبتنی بر عدالت و آزمون‌های الهی؛ ب- معماری نهادی: ساخت کعبه (بقره: ۱۲) به‌عنوان نخستین نهاد تمدنی با کارکردهای چندبعدی (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی)؛ ج- عقلانیت اصلاح‌گر: مبارزه با بت‌پرستی از طریق استدلال (انبیاء: ۵) و گفت‌وگو با نمرود (بقره: ۲۵)

به منزله الگویی برای زدودن خرافات و گذار از جاهلیت؛ د- فداکاری هدمند: تسلیم در برابر امر الهی (صافات: ۱۰۳) نشان‌دهنده پیوند معنویت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

۲. تأثیرات سیره ابراهیمی بر جوامع: الف- وحدت‌سازی فرادینی: ایجاد فرهنگ توحیدی به مثابه «امت واحده» (حج: ۷۸) که اساس تمدن‌های ابراهیمی شد؛ ب- اخلاق تمدن‌ساز: ترویج ارزش‌هایی چون عدالت (نحل: ۹۰)، خیرخواهی (بقره: ۱۲۸) و استقامت، به‌عنوان زیرساخت جوامع متعالی؛ ج- نهادهای پایدار: تأسیس حج به‌منزله سازوکاری برای انسجام‌بخش جهانی و تقویت همبستگی اجتماعی فراتر از مرزها.

بنابراین حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن، «معمار تمدنی» است که با ترکیب «امامت»، «عقلانیت» و «ایثار» زیرساختی جاویدان برای تمدن‌های الهی ایجاد کرد. سیره او نه تنها پاسخگوی چالش‌های عصر خویش بود، بلکه با ارائه الگویی فراتاریخی، راهبردهایی کاربردی برای بحران‌های معاصر (مانند فروپاشی معنویت یا نابرابری) عرضه می‌کند. احیای این الگو در سه عرصه «فردی»، «نهادی» و «اجتماعی»، محور اصلی بازخوانی تمدن‌سازی قرآنی در جهان امروز است. تمدن حقیقی، نه در سازه‌های مادی، بلکه در تعادل میان معنویت و پیشرفت، سادگی و عمق فکری، و پیوند فرهنگ و تمدن تحقق می‌یابد. سیره ابراهیم علیه السلام نشان می‌دهد که رستگاری تنها در گرو توحید ناب، عبودیت خالص، و استقامت در مسیر حق است و این همان راهی است که جوامع انسانی برای تعالی به آن نیاز دارند.

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

### حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۸۶). باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفرزاده، علیرضا. (۱۳۹۵). رفتارشناسی فرهنگی با رویکردی بر سیره حضرت ابراهیم علیه السلام [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده]. مؤسسه آموزش عالی باختر. جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تفسیر موضوعی قرآن کریم. نشر اسراء.
- حسین اف، صفر مراد. (۱۴۰۱). مدل برنامه‌ریزی راهبردی حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم. فصلنامه مطالعات قرآن و علوم، ۱۲(۶)، ۴۱-۷۳.
- حسینی، سید جواد. (۱۳۸۳). جایگاه هجرت در مکتب اسلام. مجله مبلغان، ۵۳، ۱۵-۱۶.
- حیدری، حسین. (۱۳۹۳). الگوهای قرآنی: ابراهیم خلیل‌الله. دومه‌نامه اخلاقی- تربیتی خلق، ۸(۴۵)، ۴۵-۵۸.
- خمنی، روح‌الله. (بی‌تا). صحیفه امام. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه‌السلام).
- دورانت، ویل. (۱۳۹۰). مشرق زمین گهواره تمدن. انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- زراعتی، سمانه. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در متون تفسیری و عرفانی فارسی (تا پایان قرن هفتم هجری) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده]. دانشگاه اصفهان.

شفیعی دارابی، محمد؛ و باقریان، زهره. (۱۴۰۰). ویژگی‌های انسان تمدن‌ساز از منظر قرآن کریم. فصلنامه علمی قرآن، فرهنگ و تمدن، ۱۲(۱)، ۶۲-۷۹.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2021.287335.1021>

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۸). تفسیر المیزان. جامعه مدرسین حوزه علمیه.

- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۵ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. دارالرسالة.  
 عابدینی، محمدرضا. (بی تا). سیره تربیتی پیامبران: حضرت ابراهیم علیه السلام. دفتر نشر معارف.  
 عباسی مقدم، مصطفی؛ و باجی، نصره. (۱۳۹۳). روش های تربیتی و تبلیغی حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن. پژوهش نامه تربیتی-تبلیغی، ۳(۵)، ۴۰-۵.  
 عزمی، طه السید؛ و همکاران. (۲۰۰۸م). الثقافة الإسلامية. جامعة القدس المفتوحة.  
 غلامی، اصغر. (۱۳۸۶). مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلای ابراهیم علیه السلام. سفینه، ۵(۱۷)، ۱۱۵-۱۳۹.  
 فروهی، آرمان. (۱۳۹۹). تأثیر هجرت انبیای الهی بر تمدن سازی از منظر قرآن کریم. فصلنامه پژوهشی قرآن، فرهنگ و تمدن، ۱(۲)، ۶-۲۲.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2021.129451>

- قمری شریف آبادی، یعقوب. (۱۳۹۸). لطایف قرآنی: نکته های عرفانی از مشابیهات قرآن، بی نا.  
 مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. داراحیاء التراث العربی.  
 معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ معین. امیرکبیر.  
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه.  
 منتظرالقائم، اصغر؛ و سلیمانی، زهرا. (۱۳۹۴). نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن سازی. دفتر نشر معارف.

مفادات آماده انتشار